

توسعه تجدیدپذیرها پول می‌خواهد نه دستور

رئیس‌جمهور: ترخیص گمرکی تجدیدپذیرها را حل کنید
کارشناسان: مشکل مالی و سیاسی است، نه گمرکی

خلف وعده یا تخلف مالی؟

بررسی پلتفرم رزرو آنلاین اقامتگاهی که بیش از هفت ماه است مطالبات بومگردی‌ها را پرداخت نکرده

موزه‌ای بی‌دیوار برای آثار ربوده‌شده

هشدار یونسکو درباره قاچاق آثار تاریخی با راه‌اندازی موزه‌ای مجازی

یادداشت

اثر رزلب چیست؟

بوی کباب، دست‌های پُرمیوه و دل سوخته

| محمد نجاری |

| معاون پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی |

یادداشت

چالش آبی که می‌خوریم و آبی که می‌نوшим

| اکبر یورداج |

| کنشگر آب و محیط‌زیست |

یادداشت

وقتی طالبان میراب منطقه می‌شود!

| مجید غضنفری |

| فعال محیط‌زیست |

جانورشناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه کنت، در گفت‌وگو با «پیام ما» درباره چگونگی حفاظت از یوزها در ایران هشدار می‌دهد

نیمی از توله‌یوزها ناپدید می‌شوند

۴ و ۵

یادداشت

اثر رزلب چیست؟

بوی کباب، دست‌های پُرمیوه و دل سوخته



| محمد نجاری |

| معاون پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی |

قرار می‌گیرد. یعنی خرید یک رژ لب به‌جای یک لباس گران‌قیمت یا خرید کمی میوه و فروش رژ لب، نوشابه کوکا‌کالا و قهوه‌های پر کردن کباب در پارک به‌جای سفر راحت، خوردن ماچا در کافه به‌جای خرید کالاهای بزرگ و... اینها نه نشانه رفاه، بلکه نشانه تلاش برای بازسازی احساس عادی بودن زندگی در شرایط غیرعادی است. مردمی که توان سفر راحت، مسکن مناسب یا امنیت شغلی و امید به آینده ندارند، به «بهانه‌های کوچک خوشبختی» پناه می‌برند.

۲. **مشاهده سطحی در برابر تحلیل ساختاری**
دیدن خانواده‌ای که در پارک کباب می‌پزد یا شهروندانی که میوه در دست دارند، به‌خودی‌خود شاخصی از رفاه عمومی نیست. علم اقتصاد برای سنجش معیشت، ابزارهایی چون خط فقر، نرخ تورم، قدرت خرید و شاخص نابرابری دارد. چنان‌که در جامعه‌شناسی نیز می‌دانیم، رفتارهای نمایندگان افراد را باید در بستر فشارهای ساختاری دید. نه در ظاهر خوشایندشان.

۳. **روانشناسی مقاومت اجتماعی**
انسان‌ها در مواجهه با سختی‌های اقتصادی، نیاز به بازنمایی امید و شادی دارند. خانواده‌ای که در پارک کباب درست می‌کند، جوانی که برنامه کافه می‌چیند و... ممکن است برای یک روز، با اندک هزینه‌ای، شادی جمعی بسازد. این رفتار، مکانیزمی روانی برای مقاومت در برابر فرسایش امید است. به بیان دیگر، بوی کباب در پارک یا بوی ماچا در کافه، الزاماً بوی رفاه نیست؛ بوی تلاش برای زنده نگه داشتن «تصویر زندگی» است. فرد می‌کوشد با هزینه‌ای اندک، برای خود و اطرافیانش، تجربه یک «زندگی عادی» را بازسازی کند. حتی اگر زندگی واقعی زیر فشار تورم و ناامنی اقتصادی خم شده باشد.

۱. **اثر رژ لب؛ مصرف نمادین در زمان بحران**
طبق نظریه اثر رژ لب، در شرایط رکود و فشار اقتصادی، مردم به‌جای دست‌کشیدن کامل از مصرف، به سراغ خرید لوکس‌ها و کوچک و ارزان اما نمادین می‌روند تا احساس «زندگی عادی» و «شادی موقتی» را حفظ کنند. خرید یک رژ لب، شلوغی کافه‌ها، خوردن یک بستنی یا ماچا، برپا کردن کباب در پارک دقیقاً در همین دسته

کدام «سلامت روان» آقای معاون وزیر؟



| بهنام صابرنهمی |
| روزنامه‌نگار |

شفاف‌سازی. بی‌احترامی به خبرنگار و رسانه در واقع بی‌احترامی به افکار عمومی است. وقتی مقام دولتی با لحنی تحقیرآمیز به خبرنگار می‌گوید «تو حرف نزن»، در حقیقت دارد به مردم می‌گوید «من نیازی به پاسخگویی ندارم».

وزارت بهداشت این روزها بیش از هر زمان دیگری با بحران اعتماد عمومی روبه‌روست. حالا وقتی معاونش در برابر یک پرسش ساده کنترل خود را از دست می‌دهد، این بی‌اعتمادی عمیق‌تر می‌شود. اگر قرار است درباره سلامت روان مردم حرف بزنیم، شاید بهتر باشد پیش از هر چیز، مسئولان ما به سلامت روان خود فکر کنند؛ به توانایی‌شان در شنیدن نقد، در کنترل خشم و در حفظ ادب و احترام حتی در شرایط فشار.

خبرنگار هر رسانه‌ای که باشد -کوچک یا بزرگ، مستقل یا وابسته- فقط پرسشگر است، نه رقیب. پاسخ محترمانه و شفاف به پرسش‌ها نه لطف، که وظیفه اخلاقی و قانونی هر مقام دولتی است. کاش آقای معاون و هم‌فانش این را به یاد بیاورند که احترام به مردم، از احترام به رسانه شروع می‌شود.

بود. خبرنگاری که در چارچوب قانون و با مجوز رسمی به نشست خبری دعوت شده، صرف‌نظر از نام رسانه‌اش، حق دارد بپرسد و مطالبه کند. این اصل ساده پاسخگویی است که ظاهراً برخی مسئولان مثل آقای رئیسی به‌مرور فراموشش کرده‌اند. آنها تصور می‌کنند حضورشان در نشست خبری لطفی در حق خبرنگاران است، نه وظیفه‌ای در قبال مردم. درحالی‌که مسئول دولتی اگر نمی‌خواهد پاسخگو باشد، بهتر است اصلاً نشست خبری برگزار نکند. وقتی معاون وزارت بهداشت در جلسه‌ای که درباره سلامت روان برگزار شده، از کوره در می‌رود، عصبانیت خود را بروز می‌دهد و حاضر نیست حتی به توصیه اطرافیانش برای آرامش گوش دهد، نمی‌توان از مردم انتظار داشت به توصیه‌ها و برنامه‌های او درباره مدیریت استرس و سلامت روان اعتماد داشته باشند و عمل کنند. سلامت روان از رفتار شروع می‌شود، نه از سخنرانی، آقای معاون وزیر بهداشت. مشکل اینجاست که برخی مدیران دولتی هنوز درک نکرده‌اند رسانه دشمن نیست؛ آینه است. پرسش خبرنگار تهدید نیست؛ فرصتی است برای بی‌احترامی به یکی از ارکان جامعه مدنی، یعنی رسانه،

در نشست خبری هفته سلامت روان و پوییش سلامت دهان و دندان، اتفاقی افتاد که با مضمون خود جلسه در تضاد کامل بود. «علیرضا رئیسی»، معاون وزارت بهداشت، در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران نشتنها آرامش خود را حفظ نکرد، بلکه با ادبیاتی توهین‌آمیز، تحقیرآمیز و دور از شأن یک مقام رسمی، واکنش نشان داد. جملاتی مانند «یه الف‌بچه اومده اینجا حرف مفت می‌زنه»، «شما دیگه سؤال نکن» و «خیلی دوست داری سایتت جنجالی بشه؟» و... نه در شأن یک مسئول است، نه در قامت انسانی که درباره سلامت روان سخن می‌گوید. رفتار آقای رئیسی، صحنه‌ای تأسف‌برانگیز از بی‌احترامی به یکی از ارکان جامعه مدنی، یعنی رسانه،

آگهی تمدید مهلت تحویل پاکات مناقصه عمومی

شماره: ۰۸/۱۴۰۴/ع شرکت معدنی و صنعتی گل گهر



به آگاهی کلیه شرکت‌کنندگان در جلسه بازدید از سایت، جهت حضور در مناقصه با موضوع " **انجام خدمات و عملیات اکتشافی فاز پی جویی و عمومی در چهار محدوده پهنه بافت استان کرمان به شماره کاداستر (۱۴۳۳۰۸۲، ۱۴۳۳۰۸۳، ۱۴۳۳۰۸۴، ۱۴۳۳۰۸۵) " می‌رساند؛ مهلت تحویل پاکات مناقصه تا ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ تمدید گردید. لذا متقاضیان می‌بایست در موعد مقرر نسبت به تحویل پاکات خود در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع گل گهر و یا دبیرخانه دفتر تهران این شرکت اقدام نمایند. لازم به ذکر است، اسناد مناقصه از طریق وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده قابل دریافت می‌باشد. شایان ذکر است فرمت ضمانت نامه های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.**

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر



بررسی پلتفرم رزرو آنلاین اقامتگاهی که بیش از هفت ماه است مطالبات بومگردی‌ها را پرداخت نکرده

خلف وعده یا تخلف مالی؟

ایپام با پلتفرم‌های آنلاین رزرواسیون، حالا دیگر به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی گردشگری پذیرفته شده‌اند. اما هنوز سازوکار مشخصی برای نظارت مؤثر بر فعالیت آنها و پاسخگو کردنشان در قبال مسائلی که برای مشتریان خدماتشان پیش می‌آید، تعریف نشده است. نهادهای ناظر نیز در بسیاری از موارد، واکنش شفافیتی نسبت به این مسائل نشان نمی‌دهند. در تازه‌ترین مورد، تعدادی از اقامتگاه‌های بومگردی از تسویه نشدن مبالغ مربوط به رزروهای انجام‌شده در سایت «شب» طی هفت ماه گذشته خبر داده‌اند. سایت «شب» که از نخستین پلتفرم‌های رزرو آنلاین اقامتگاه در ایران است، مجوز رسمی فعالیت از وزارت میراث‌فرهنگی دارد. بااین‌حال، تاکنون پاسخی رسمی از سوی مدیران این پلتفرم یا وزارتخانه درباره خسارت وارده‌شده به ۲۲ اقامتگاهی که در هفت ماه اخیر با خلف وعده این سایت روبه‌رو بوده‌اند، منتشر نشده است.

نمود نظام نظارت صحیح بر عملکرد پلتفرم‌های آنلاین گردشگری، حالا نه‌فقط یک خلأ ساختاری، که زمینه‌ساز بروز خسارت‌های مالی برای کسب‌وکارهای کوچک شده است. کسب‌وکارهایی که بر مبنای اعتماد بر نهادهای ناظری که به یک کسب‌وکار در فضای آنلاین مجوز فعالیت می‌دهند، با این پلتفرم‌ها تعامل می‌کنند، اما پس از مدتی با خساراتی روبه‌رو می‌شوند که هیچ نهادی حاضر به توضیح درباره آن نیست. اتفاقی که برای ۲۲

اقامتگاه گردشگری افتاده است. اقامتگاه‌هایی که سایت شب بدون ارائه توضیحي هفت ماه است که مبالغ مربوط به رزرواسیون را به آنها پرداخت نکرده و در روزهای اخیر اعلام کرده است تا نیمه آبان‌ماه این مبلغ را تسویه خواهد کرد؛ اما اقامتگاه‌های می‌گویند با این وضعیتی که در ماه‌های اخیر از این سایت دیده‌اند، چندان امیدی به این وعده ندارند. «یاور عبیری»، رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی ایران، درباره

مشکل پیش‌آمده برای اقامتگاه‌ها و سایت شب، به «پیام ما» می‌گوید: «برخی از این پلتفرم‌ها، بخشی از مجوزهای خود را از معاونت علمی ریاست‌جمهوری و سازمان نظام صنفی رایانه‌ای دریافت می‌کنند، ولی وقتی مشکلاتی پیش می‌آید، پاسخگویی مناسبی وجود ندارد. آخرین آمار نشان می‌دهد تاکنون ۲۲ اقامتگاه بیش از شش ماه است مطالبات خود را از این سایت دریافت نکرده‌اند.» او از پیگیری برای مذاکره با مدیران این

پلتفرم و احقاق حقوق اقامتگاه‌ها می‌گوید و اینکه مدیران پلتفرم قول داده‌اند مشکل را به‌زودی حل کنند. اما مسئله اصلی این است که چه ضمانتی وجود دارد که این اتفاق برای پلتفرم‌های دیگر نیفتد؟ و اگر باز هم این مسئله تکرار شود، مرجع پاسخگو در این زمینه کدام نهاد است؟ نهادی که مجوز فعالیت صادر می‌کند یا نهادی که متولی گردشگری است؟

عبیری معتقد است: «وزارت میراث‌فرهنگی باید نظارت دقیق‌تری داشته باشد؛ زیرا این پلتفرم‌ها مجوز میراث‌فرهنگی هم دارند، اما متأسفانه نظارت دقیق و کافی صورت نمی‌گیرد. مگر درآمد بومگردی‌ها چقدر است که بتوانند پولشان را ندهند یا با تأخیر پرداخت کنند؟ بسیاری از بومگردی‌ها کاملاً متکی به همین درآمدها هستند و این تأخیرها خسارات جدی به آنها وارد می‌کند.» او درباره اینکه مدیران سایت شب گفته‌اند به‌دلیل مشکلات مالی شرکت این تأخیر چندماهه پیش آمده، می‌گوید: «نمی‌توانند بهانه کنند که به مشکل خورده‌اند؛ چون مبلغ مربوط به اقامتگاه را در لحظه رزرو از مسافر دریافت می‌کنند. این اصلاً قابل‌قبول نیست که هزینه را از مسافر بگیرند و بگویند ما نمی‌توانیم به اقامتگاه پرداخت کنیم. این مبالغ همگی قبل از ورود مسافر به اقامتگاه دریافت شده است. حالا ممکن است این مبلغ را صرف سرمایه‌گذاری یا کار دیگری کرده باشند، اما اقامتگاه نباید خسارتش را بدهد.»

❏ خسارت اقامتگاه‌ها، سکوت نهاد ناظر

«رسول مجیدی»، مدیر اقامتگاه بومگردی تیمره، یکی از ۲۲ اقامتگاهی است که در هفت ماه گذشته مبلغ رزرو خدماتش را از سایت شب دریافت نکرده، او در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید پلتفرم‌ها تمام مدارک هویتی و مستندات مربوط به فعالیت اقامتگاه و مجوزهای لازم را می‌گیرند، اما در قبال آن مستندات و مدارکی برای فعالیتشان به اقامتگاه‌ها ارائه نمی‌کنند: «در تمام این سال‌ها منبای کار ما بر اعتماد بوده. چون این سایت‌ها مجوز فعالیت از نهادهای رسمی داشتند، ما هم اعتماد کردیم و هیچ قرارداد و مدارکی مطالبه نکردیم. فکر نمی‌کردیم این اتفاق بیفتد؛ چون این سایت‌ها سال‌هاست فعالیت می‌کنند و معتبر هستند.»

مجیدی درباره چگونگی همکاری با این پلتفرم‌ها می‌گوید: «آنها معمولاً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از مبلغی را که ما بابت اتاق دریافت می‌کنیم، به‌عنوان کمیسیون برمی‌دارند و مابقی را برای ما واریز می‌کنند. روند کار به این صورت است که مبلغ همان ابتدا و در زمان رزرو از مسافر دریافت می‌شود و روزی که مسافر وارد اقامتگاه می‌شود، با او تماس می‌گیرند اگر همه موارد مورد تأیید او بود، فردای آن روز، مبلغ برای ما واریز می‌شود. گاهی به‌دلیل مختلف ممکن است یک تا دو روز فاصله بیفتد. در زمان جنگ هم پیش آمد یک ماه و دو ماه سایت‌ها مبلغ را در کمتر بازریز کردند. اما این سایت از دی و بهمن سال گذشته اعلام کرد به مشکل خورده و نمی‌تواند واریز‌ها را به‌موقع انجام دهد. از فروردین تا امروز، یعنی حدود هفت ماه، مبلغ رزرو اقامتگاه ما را

❏ امیدواریم این موزه روزی تعطیل شود

در میان نزدیک به ۲۵۰ شیء به‌سرق‌رفته که دراین پلتفرم تعاملی یونسکو به نمایش درآمده‌اند، می‌توان سربدسی کشف‌شده در «آنگکور توم» پایتخت پیشین امپراتوری خمر در کامبوج، ماسک آیینی متعلق به زامبیا، گردنبندی که در سایت باستانی تدمر (تالمیر) در سوریه کشف شده بود و نقاشی متعلق به هنرمند سوئدی «آندرس زورن» را مشاهده کرد. تاریخچه و اطلاعات دقیق این آثار به‌همراه تصاویر سه‌بعدی و دوبعدی آنها که به‌شکل دست‌پن‌دی‌شده در ویتربین‌های موزه مجازی چیده شده‌اند، به مخاطبان ارائه می‌شود. مدیران موزه می‌گویند این مجموعه با استفاده از مدل‌سازی سه‌بعدی و کمک هوش مصنوعی گسترده‌تر خواهد شد و تعداد آثار به‌نمایش‌درآمده افزایش پیدا خواهد کرد. «آدری آزولای»، مدیرکل یونسکو، امیدوار است این موزه بتواند در سطح جهان توجه‌ها را به شبکه‌گسترده قاجاق غیرقانونی جلب کند. او به خبرگزاری فرانسه گفته است: «این ابتکار به جمع‌گسترده‌ای در مردم دنیا درباره تجارتی که خاطرات را می‌دزد، زنجیره‌های نسل‌ها را می‌شکند و مانع پیشرفت علم می‌شود، آگاهی خواهد بخشید.» او معتقد است: «بیش تر اثر یا قطعه درزید‌شده، بخشی از تاریخ و هویت بشری نهفته است؛ هویتی که از نگهبانان آن روده شده. هدف ما بازگرداندن این آثار به مکان‌های اصلی‌شان است تا هویت و تاریخ حفظ شود.» «سونا آلتودر (Sunna Altoder)»، مسئول بخش مقابله با قاجاق غیرقانونی آثار در یونسکو، معتقد است: «هر اثر درزید‌شده بخشی از هویت، حافظه و دانش جوامع مبدأ خود را با خود می‌برد.» به‌گفته او، هدف بلندمدت این پروژه، پایان آن است: «امیدواریم در آینده تمام این آثار در بخشی به‌نام «بازگردانی و استرداد» قرار گیرند؛ این بخش

به نمایش اشیایی می‌پردازد که بازپایی شده‌اند یا به کشورهای مبدأ بازگرداندن شده‌اند.» آلتودر می‌گوید این موزه به‌دنبال هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف درگیر در مقابله با قاچاق اموال فرهنگی است: «ما برای شکست دادن شبکه مجرمانه که مشغول قاچاق آثار تاریخی و فرهنگی است، به یک شبکه دیگر نیاز داریم. شبکه‌ای متشکل از پلیس، دستگاه قضائی، بازار هنر، دولت‌های عضو، جامعه مدنی و جوامع محلی.» این موزه با تأکید بر اهداف کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو شکل گرفته است. کنوانسیونی که یکی از مهمترین مراجع قانونی بین‌المللی در منع و پیشگیری از قاچاق اموال فرهنگی تاریخی است. این کنوانسیون نشان می‌دهد موضوع قاچاق اموال فرهنگی و تاریخی موضوع تازه‌ای نیست، آنچه فعالان حوزه میراث‌فرهنگی را نگران کرده، افزایش روافزون این پدیده است؛ پدیده‌ای که حالا یونسکو با راه‌اندازی این موزه سعی دارد درباره آن هشدار دهد. این موزه پرده از ابعاد پنهان تجارتی سیاه برمی‌دارد که تاریخ و هویت و فرهنگ جوامع را به تاراج می‌برد.

در میان آثار به نمایش درآمده در این موزه ۳۷ اثر از کشورهای آسیایی سوریه، هند، عربستان، کامبوج، چین، نپال، کره، بوتان، ۵۱ اثر از آفریقا، ۳۶ اثر از کشورهای عربی، ۹۶ اثر از اروپا و آمریکای شمالی و ۵۷ اثر از امریکای لاتین و کارائیب به نمایش درآمده است. آن‌طورکه رسانه‌ها اعلام کرده‌اند، برآورد هزینه‌های راه‌اندازی موزه دو میلیون و ۵۰۰ هزار دلار بوده که وزارت فرهنگ عربستان سعودی به‌عنوان تأمین‌کننده بودجه اصلی با این پروژه مشارکت کرده است. در میان کشورهای آسیایی، نام ایران و عراق به چشم نمی‌خورد؛ کشورهای که در چند دهه اخیر بیشترین غارت اموال فرهنگی و تاریخی را شاهد بوده‌اند. شاید بتوان امیدوار بود در آینده این دو کشور هم ویتربینی در این موزه داشته باشند و شانس‌ی برای

هشدار یونسکو درباره قاچاق آثار تاریخی با راه‌اندازی موزه‌ای مجازی

موزه‌ای بی‌دیوار برای آثار ربوده‌شده

ایپام اما اشیای فرهنگی و تاریخی تنها یک شیء با ارزش یا قدمت زیاد نیستند. آنها حامل داستان‌ها و روایت‌های یک سرزمین و یک قوم‌اند. وقتی قطعه‌ای از این روایت به سرق‌ت می‌رود، جامعه بخشی از هویت فرهنگی خود را از دست می‌دهد. غارت اموال فرهنگی و تاریخی به یکی از بحران‌های جدی در سطح جهان تبدیل شده است؛ بحرانی که مقابله با آن نیاز به همکاری بین‌المللی، قوانین بازدارنده و آگاهی عمومی دارد. یکی از راهکارها که یونسکو در سال‌های اخیر به فکر ارائه آن بوده، گردآوری اطلاعات و تصاویر اشیای سرق‌ت‌شده در یک موزه مجازی با هدف آگاهی‌بخشی عمومی درباره قاچاق اموال فرهنگی و تاریخی است. یونسکو اواخر سپتامبر با همکاری اینترنل از فاز اول این موزه رونمایی کرد؛ موزه‌ای که در آن بیش از ۲۵۰ شیء سرق‌ت‌شده از حدود ۴۶ کشور به‌صورت دوبعدی و سه‌بعدی به نمایش درآمده است. طبق اعلام اینترنل این آثار تنها بخش کوچکی از حدود ۵۷ هزار شیء غارت‌شده‌ای هستند که در سطح جهان جابه‌جا می‌شوند. هر چند در میان ۲۵۰ شیء به نمایش درآمده در این موزه، اثری از ایران وجود ندارد، درحالی‌که کشور ما یکی از کشورهایی است که در آن غارتگران اموال تاریخی در امنیتی باورنکردنی مشغول فعالیت هستند و اشیای تاریخی را در مواردی از مبادی رسمی به‌شکل غیرقانونی خارج می‌کنند.

و با کمک داستان‌ها، اسناد، روایت‌های شفاهی و عکس‌های همراه، با منشأ و کاربرد آنها آشنا شوند. ایده اولیه این موزه توسط مدیرکل یونسکو در رویداد «مون‌دیاکالت ۲۰۲۲» که کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی یونسکو است، ارائه شد. او گفته بود این ایده پاسخگوی درخواست کشورهای عضو برای ایجاد استراتژی هماهنگ جهت افزایش آگاهی درباره قاچاق غیرقانونی خواهد بود. حالا پس از چند سال موزه‌ای مجازی که معماری آن با الهام از بنای موزه گوگنهایم در نیویورک، و توسط معمار برجسته «دپیدو فرانسیس کره» طراحی شده، آغاز به کار کرده است.

یونسکو برای جلب توجه عمومی به موضوع قاچاق اشیای تاریخی و فرهنگی موزه‌ای راه‌اندازی کرده است که در آن آثار مربوط به کشورهای مختلف در محیطی تعاملی به نمایش درآمده است. کسی از سرنوشت این آثار باخبر نیست، تنها این نکته روشن است که روزی به سرق‌ت رفته‌اند. در فضای این موزه امکان بازگرداری اطلاعات در مورد این اشیای توسط بازدیدکنندگان هم وجود دارد. به این معنا که اگر کسی از محل یک شیء مطلع باشد، می‌تواند به مدیران موزه کمک کند آن شیء را پیدا کنند و به کشور مبدأ بازگردانند. بازدیدکنندگان می‌توانند جزئیات این آثار را بررسی کنند

بازگرداندن آثار تاریخی به‌سرق‌ت‌رفته‌ها پیدا کنند. اما مسئله‌ای که دست‌کم در مورد ایران وجود دارد، همان در کهنه است: «نداشتن لیست قرمز آثار تاریخی» هرچند «لیلا خسروی»، مدیر اداره‌کل موزه‌ها، در مورد تهیه لیست قرمز آثار، به‌ویژه آثار موجود در موزه‌ها، معتقد است: «برای مسئله حفاظت از آثار و جلوگیری از قاچاق و سرق‌ت اشیاء، سامانه جام پاسخگوی این موضوع است و درواقع، همین کارکرد را دارد.» او تأکید می‌کند: «اشیایی که در سامانه جام ثبت شده باشند، در تمام دنیا قابل‌پیگیری توسط اینترنل است. به این معنا که حتی اگر لیست قرمز آثار هم تهیه نشود، سامانه جام این قابلیت را دارد که برای اثبات مالکیت آثار به اطلاعات آن استناد شود.» آنچه در موزه مجازی آثار سرق‌ت‌شده جلب توجه می‌کند، وجود تصاویر دقیق و اطلاعات و جزئیات مربوط به آثار است، اما ما تا چه اندازه باخبریم که چه آثاری با چه ویژگی‌هایی از میان آثار تاریخی‌مان به سرق‌ت رفته است؟ مسئله‌ای که در مورد حراج سکهای ایرانی در آمریکا نمود پیدا کرد. آنچه باعث شد ایران نتواند مالکیت خود بر سکهای حراج‌شده در یکی از حراجی‌های این کشور را ثابت کند، نبود مستندات کافی برای اثبات مالکیت ایران بود. افسر گسیختگی حفاری‌های غیرمجاز و خروج آثار تاریخی از مبادی رسمی کشور به اشکال مختلف، دست به دست دیجیتالی و مستند نشدن این آثار داده‌اند تا ما حتی ندانیم چه سرمایه‌هایی از ما به سرق‌ت رفته است. موزه‌ای برای آثار ربوده‌شده ایجاد شده است، اما ما هنوز نمی‌دانیم دقیقاً چه چیزهایی را از دست داده‌ایم. این فقدان مستندسازی، نه‌فقط راه را برای بازپس‌آینی آثار می‌بندد، بلکه زخم عمیق‌تری بر هویت فرهنگی ما می‌گذارد. موزه یونسکو آینه‌ای است در برابر جهان؛ آنچه می‌بینیم، فقط آن چیزی نیست که هست، بلکه آن چیزی‌ست که دیگر نیست.

نویت دوم	آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر
 نقشه ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد: املاک متقاضیان واقع در قریه چمنان پلاک ۲۶ اصلی بخش ۱۶	۸۵۴۶ فرعی بنام آقای سید جواد کریمی چپیی نسبت به شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۴۷,۳۰ مترمربع خریداری مع‌الواسطه از آقای مهرداد عظیمی قادیکلانی مالک رسمی لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ما ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کنترالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات اصاق تا در صورتیکه ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت نمی‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰
	مرتضی قاسم پور – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم شهر شناسه آگهی: ۲۰۰۹۰۵

نویت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک گناباد
 نقشه ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	۱- نظر به دستور مواد ۳ و ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۰۹۴۰۳۰۶/۱۳۰۰۱۰۹۴۰۳۰۶/۱۴۰۴/۰۵/۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ هیأت اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا ملک خانی فرزند عباسعلی در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت کل ۲۰۹/۰۴ مترمربع از پلاک شماره ۷۰۹ فرعی از ۱۱۷ - اصلی واقع در اراضی خوشی بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری شده از آقای حسن مهودی مالک رسمی ۲- نظر به دستور مواد ۳ و ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۰۹۵۰۳۰۶/۱۳۰۰۱۰۹۴۰۳۰۶/۱۴۰۴/۰۵/۱۱ هیأت اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم فاطمه سافنی فرزند ابراهیم در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت کل ۲۰۹/۰۴ مترمربع از پلاک شماره ۷۰۹ فرعی از ۱۱۷ - اصلی واقع در اراضی خوشی بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری شده مع الواسطه از آقای حسن مهودی مالک رسمی محرز گردیده است . لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کنترالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیأت اصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراضی در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت نمی‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰
	سید ضیا الدین مهدوی شهری – رئیس ثبت‌اسناد و املاک گناباد شناسه آگهی: ۲۰۰۸۶۸۱ – م الف: ۵۶۳

جانورشناس و عضو هیئت علمی دانشگاه کنت، در گفت‌وگو با «پیام ما» درباره چگونگی حفاظت از یوزها در ایران هشدار می‌دهد

نیمی از توله‌یوزها ناپدید می‌شوند

از هر دو توله شناسایی‌شده در ایران، معمولاً یکی پیدا نمی‌شود و معلوم نیست چه بر سرش آمده

«احتمال قاچاق توله‌یوزها در دو فرض ریشه دارد، اول، تجارت گسترده گربه‌سانان در ایران و دوم، غیب‌شدن حدود نیمی از توله‌یوزها در مناطقی که در سال‌های اخیر چندین یوز از آنها قاچاق شده است.» این گفته «محمدصادق فرهادی‌نیا»، جانورشناس و هیئت‌علمی دانشگاه کنت است. اگر قاچاق را یکی از عوامل تهدید یوزها در نظر بگیریم، باقی عوامل چیست؟ فلابده‌گذاری چقدر اهمیت دارد؟ آیا یوزهای آسیایی دچار اختلال ژنتیک شده‌اند؟ چرا پس از این‌همه جلسه درباره یوز آسیایی، همچنان کارشناسان از رویه‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و چه راهی برای رفع این چالش سراغ داریم؟ در گفت‌وگو با فرهادی‌نیا این پرسش‌ها را مطرح کردیم.



فاطمه باباخانی |

روزنامه‌نگار |

❗ با توجه به جمعیت محدود یوز، می‌توان از اصطلاحی مثل منقرض‌شده برای آن استفاده کرد؟

مطرح‌کردن این گزاره به‌عنوان یک هشدار می‌تواند قابل‌قبول باشد، اما نباید مبنای تصمیم‌گیری یا توقف تلاش‌های حفاظتی قرار گیرد. تا زمانی که حتی یک جفت از این گونه در طبیعت باقی مانده، وظیفه داریم برای حفظ آن تلاش کنیم. این فقط یک مسئولیت به‌عنوان یک اکولوژیست نیست، بلکه یک مسئولیت اخلاقی نیز به حساب می‌آید. مانند بیماری که در مرحله پیشرفته سرطان قرار دارد؛ ممکن است پیش‌بینی‌ها امیدوارکننده نباشد، اما هیچ‌کس درمان را متوقف نمی‌کند.

❗ آیا یوزها دچار اختلالات ژنتیکی شده‌اند؟ آیا در این زمینه مطالعاتی صورت گرفته است؟

براساس چندین مطالعه، می‌دانیم تنوع ژنتیکی یوزهای آسیایی به‌شدت کاهش یافته است، اما دو نکته را باید هم‌زمان در نظر گرفت، اول کاهش تنوع ژنتیکی که درباره آن اطمینان داریم و دوم، تأثیر آن بر ظاهر و رفتار و سلامت یوزها. برای مثال، این اختلالات می‌توانند در سیستم قلبی، دندانی یا اسکلتی گونه تأثیر بگذارند. درباره بخش دوم هنوز شواهدی نداریم که چنین اتفاقی برای یوزهای ایران افتاده باشد. البته نبود شواهد قطعی به این معنا نیست که این مشکلات وجود ندارند؛ بلکه ممکن است این اثرات با تأخیر ظاهر شوند. بنابراین، احتمال دارد اکنون در مرحله‌ای باشیم که پیامدهای ژنتیکی در حال شکل‌گیری هستند، اما هنوز به‌صورت کامل بروز نکرده‌اند.

❗ هر کارشناس و مدیری چالش‌های یوز را به‌نوعی دسته‌بندی می‌کند. به‌نظر شما مهم‌ترین چالش‌های حفاظت از یوز در ایران چیست؟

یکی از خطاهای رایج در رویکردهای حفاظتی ایران، نگاه انسان‌محور است؛ مسائل از دید خودمان تحلیل می‌شوند نه از دید حیوان. مانند اینکه من براساس دانش محدود خودم برای دوستم دلسوزی کنم که الان در زندگی مشکل الف را دارد، درحالی‌که تا از خودش دقیق نپرسم، نخواهم فهمید مشکل دوستم مشکل ب است نه الف. برای حفاظت مؤثر باید از خود حیوان پرسید مشکلش چیست. مثلاً چندسال پیش، منطقه‌ای برای حفظ یوزها درست شده بود، نقشه مقدماتی این منطقه طوری درست شده بود که اصلاً به درد یوزها نمی‌خورد؛ چون بیش از نیمی از نقاط حضور یوزها خارج از آن افتاده بود. همین است که بدون در نظر گرفتن واقعیت زندگی یوز اسال‌ها هزینه می‌کنیم و در آخر فایده‌ای ندارد.

به‌نظر من، یکی از چالش‌های قابل‌مدیریت یوز کاهش نرخ بقای توله‌هاست. حدود ۱۰ سال پیش بقای توله‌ها تا یک‌ونیم سالگی نزدیک ۹۰ درصد بود، اما امروز به ۶۰ درصد رسیده است. یعنی از هر دو توله یکی می‌میرد یا ناپدید می‌شود که احتمالاً به‌معنای مرگ است. وقتی داده‌ها چنین تغییری را نشان می‌دهند یعنی خود یوز، مسئله را به ما می‌گوید. عوامل اصلی این کاهش، جاده و کمبود طعمه و احتمالاً برخورد با شکارچیان است. یوز به قلمرو وسیع نیاز دارد و ناچار است مسافت‌های



وقتی تجربه مبناست، اختلاف ایجاد می‌شود؛ چون معلوم نیست کدام تجربه درست است اگر علم و سند مینا باشد نتیجه روشن است. آکتفا به سند و مدرک، کم‌هزینه‌تر و نتیجه‌بخش‌تر از تجربه است



وقتی مشکلی در حوزه حیات‌وحش کشور پیش می‌آید، به‌ندرت می‌بینید آن مشکل حل شده باشد، بلکه معمولاً مشمول زمان و گاهی پنهان‌کاری می‌شود. ده‌ها مثال می‌توان زد که چطور تجربه باعث اشتباه در حفظ طبیعت شد و نتیجه معکوس داد

یادداشت

از «گل کوچیک» تا «لیگ برتر» در حفاظت محیط‌زیست



مرتضی پورمهری |

حفاظتگر |

در دنیای امروز، جایی که چالش‌های محیط‌زیستی مانند تغییراقلیم، توسعه نامتوازن، رشد جمعیت و انواع آلودگی‌ها هر روز جدی‌تر می‌شوند، فعالیت‌های حفاظتی و محیط‌زیستی بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد ما در ایران هنوز درگیر سوءبرداشتی جدی هستیم: آیا این فعالیت‌ها باید به‌عنوان علاقه شخصی و فوق‌برنامه باقی بمانند، یا باید به سطح حرفه‌ای ارتقا یابند؟ آیا فعالیت فردی، خارج از سیستم خوب و فعالیت سازمانی همواره همراه با فساد است؟

به‌نظر من، تا وقتی یک فعالیت حرفه‌ای نشود، تأثیر آن محدود می‌ماند و نمی‌تواند تغییرات پایدار و بزرگ ایجاد کند. بیا باید این موضوع را با یک مثال ساده بررسی کنیم: فوتبال. دست‌کم همه ما پسرها، همکار، هم‌محله‌ای یا هم‌کلاسی‌هایی داشته‌ایم که فوتبالیست‌های فوق‌العاده‌ای بودند. دریل‌های و شوت‌هایشان را با مسی و رونالدو مقایسه کرده‌ایم. اما آنها فقط در سالن، کوچه، دانشگاه یا مدرسه فوتبال بازی می‌کنند. صبح‌ها سر کار می‌روند، شب‌ها اگر خسته نباشند و زندگی اجازه دهد،

طولانی طی کند و جاده‌های پررفت‌وآمد احتمال تلفات را بالا می‌برند. اگر قرار است پودجه‌ای صرف شود، باید ایمن‌سازی جاده‌ها در اولویت باشد. طعمه‌های یوز هم تنها در چند محدوده کوچک وجود دارند و برای افزایش بقای توله‌ها باید پراکندگی طعمه و منابع آب گسترده‌تر و غیرمتمرکز شود. یک اقدام مؤثر آن است که با ایجاد چندین سایت معرفی مجدد طعمه در مرکز و اطراف زیستگاه یوز، حلقه‌ای از جمعیت‌های اقماری طعمه برای یوزها در اطراف میاندشت و توران ایجاد شود تا پراکنش طعمه‌ها بهتر شود. درواقع، زیستگاه یوزها را «بازوحشی‌سازی Rewilding» کنیم. برای این کار می‌توان مثلاً از جمعیت مازاد آهو در میاندشت کمک گرفت.

❗ برای رفتن سراغ حیوان، باید چکار کرد؟

برای پرسیدن از خود یوز، تنها چند ابزار قابل‌اعتماد داریم. مانند دوربین تله‌ای، فلابده‌گذاری، مطالعات ژنتیکی و مشاهده مستقیم. ولی باید بدانیم که دوربین تله‌ای تنها چند ثانیه از زندگی چندین‌ساله یوز را به ما نشان می‌دهد و درواقع، ابزاری برای فهمیدن زندگی یوز در مقیاسه با روش‌های پیشرفته‌تر نیست. مانند این است که کسی شما را چند ثانیه در مترو ببیند و بعد درباره زندگی و علایق و رفتار شما قضاوت کند، طبیعتاً باید بدانیم هر روشی چه محدودیت‌هایی دارد تا قضاوت نادرست نکنیم.

❗ اما به‌نظر می‌رسد اغلب این روش‌ها در حال حاضر با چالش‌هایی مواجه‌اند. در شرایط فعلی که تنها مشاهده مستقیم توسط محیط‌بانان و مردم انجام می‌شود، برای انجام مطالعات ژنتیکی چه باید کرد؟

مسئله اصلی در مطالعات ژنتیکی یوزپلنگ، یافتن سرگین تازه است که به‌دلیل تراکم پایین جمعیت و گستره وسیع زیستگاه کاری دشوار است، درحالی‌که برای گونه‌هایی مثل پلنگ این کار بسیار ساده‌تر است. در مورد فلابده‌گذاری هم که الان حساسیت‌های امنیتی به اوج رسیده است، ولی واقعیت آن است که ۱۰ سال پیش هم که اساساً چنین حساسیت‌هایی وجود نداشت، برخی کارشناسان به چنین کاری به‌عنوان کاری بی‌فایده و آزمایشی نگاه می‌کردند. بنابراین، مانع اصلی چنین کاری را باید در خود متخصصین محیط‌زیست جست‌وجو کرد، نه موانع امنیتی.

فرایند پایش یوز با دوربین‌های تله‌ای در حال حاضر در ایران، چند مشکل دارد: اول اینکه لکهای انجام می‌شود، یعنی به هر گروهی گفته‌اند شما ییا این دشت را پایش کن. بعد عکس‌های همه را می‌گیرند و در یک سیستم جمعیم می‌کنند که تا‌به‌حال گزارش فنی‌ای از آن منتشر نشده که بتوان به آن رجوع کرد. پایش چنین گونه‌ای نیاز به فرایندی بزرگ و پوشش هماهنگ سطح گسترده دارد. پایش لکهای برای یوز با پایش نکردن برابر است. مثالی بزنم، در تمام طول ۱۳۸۰ یوزها به‌صورت لکهای پایش می‌شدند و هر منطقه برای خودش پایش می‌کرد. تصاویر لکهای باعث شد تصور کنیم جمعیت یوز زیاد است. در اوایل دهه ۹۰ با اجرایی شدن برنامه پایش ملی یوز، سطح وسیع‌تر با تعداد دوربین‌های بیشتر و متدولوژی یکسان شروع به

پایش شد، آن‌موقع بود که فهمیدیم چقدر اوضاع خراب‌تر از آن است که قبلاً تصور می‌کردیم. مشکل دوم آن است که گزارش‌دهی‌ها نیاز به بهبود دارد؛ مثلاً نباید تعداد جمعیم شود یا اگر یوز ناشناسی در عکس‌ها باشد، باید با احتیاط با آن برخورد کرد و تا اطمینان قطعی حاصل نشده، از معرفی آن به‌عنوان فرد جدید جلوگیری شود؛ زیرا این کارها منجر به تورم کاذب تعداد می‌شود. سومین مشکل این است که پایش، یک فرایند آماری و فنی پیشرفته است، شما بسیاری از گربه‌سانان مانند پلنگ برفی، ببر و سیاه‌گوش را ببینید که چه فرایند پیشرفته و فنی برای پایش آنها انجام می‌شود تا تصویری دقیق و درست از وضعیت بدهد. در پاکستان اخیراً یکی از سن‌ها گزارش فنی از وضعیت پلنگ برفی در این کشور منتشر کرد، ما به چنین گزارش‌های فنی نیاز داریم. پایش نباید به یک سیستم عکسبرداری از حیات‌وحش برای شبکه‌های اجتماعی تبدیل شود، که فقط با انتشار تصاویر جذاب به امیدسازی، آن‌هم امید کاذب در جامعه بپردازد. پیامد پایش وقتی که تحلیل‌های فنی پشت آن نباشد، این است که مثلاً در توران می‌بینند عکس چند پلنگ گرفته شده است، آن وقت سریع نتیجه‌گیری می‌کنند که پلنگ‌ها زیاد شده و مشکل یوزها هستند. درحالی‌که باید ببینند دقیقاً این پلنگ‌ها و یوزها چقدر به لحاظ زمانی و مکانی همپوشانی دارند؟ آیا این تحت‌تأثیر پراکنش آب است؟ آیا هم نرها همه ماده‌های پلنگ‌ها همپوشانی نشان می‌دهند؟ آیا گستره خانگی پلنگ‌ها در اطراف یوزها بزرگتر شده یا کوچکتر؟ و ده‌ها سؤال دیگر. اینکه دو جانور با هم در یک منطقه باشند، به‌معنای این نیست که همدیگر را می‌کشند، اگر این‌طور بود، در طول تاریخ پلنگ‌ها، یوزها را منقرض کرده بودند. باید دید چه مکانیسم برهمکنش بین گونه‌ای بین آنها برقرار است. وقتی پایش ناقص و بدون دانش مورد نیاز باشد، تبدیل به قضاوت‌های سطحی و بعد ممکن است منجر به اقدامات نادرست شود.

❗ در گذشته بحث‌هایی درباره قاچاق یک یوز به عراق مطرح شده بود. چرا این موارد به‌صورت رسمی‌خبری نمی‌شوند؟

هیچ‌وقت نمی‌توان با قطعیت گفت این توله متعلق به ایران بوده یا نه. در عراق گاهی یک یا دو توله دیده شده و در امارات، به‌ویژه دبی، هم گزارش‌هایی مطرح است. بحث قاچاق مهم است چون از هر دو توله شناسایی‌شده در ایران، معمولاً یکی پیدا نمی‌شود و این سؤال پیش می‌آید چه بر سرش آمده است. اغلب توله‌ها در مناطقی دیده می‌شوند که حضور پلنگ یا گرگ پررنگ نیست. هم‌زمان روند قاچاق حیات‌وحش در ایران، به‌ویژه میان گربه‌سانان، جدی است. در مقاله‌ای که توسط پوریا سرداری و نیما بادلو تهیه شده، داده‌های زیادی از تبلیغات فروش گربه‌سانان در اینستاگرام جمع‌آوری شده است. حجم داده‌ها نگران‌کننده است. یوز در این داده‌ها دیده نشده، اما وقتی این تعداد ببر، ببر، کاراکال و گربه جنگلی فروخته می‌شود، این سؤال مطرح است که آیا یوز هم

وجود دارد؛ ولی گزارش نمی‌شود؟ چطور ممکن است در یک سال ده‌ها شیر و ببر عرضه شود؟ چه تعداد مشتری وجود دارد؟ علت احتمال قاچاق توله‌یوزها در دو فرض ریشه دارد؛ اول، تجارت گسترده گربه‌سانان در ایران و دوم، غیب شدن حدود نیمی از توله‌یوزها در مناطقی که در سال‌های اخیر چندین یوز از آنها قاچاق شده است. بنابراین، من اگر جای مدیران بودم، برای نگرانی جدی نسبت به این مسئله دلیل کافی داشتم. **❗ با توجه به دو دهه تلاش برای حفاظت از یوز آسیایی، به‌نظر شما مهم‌ترین مسئله در رویکردهای گذشته چه بوده است؟**

یکی از اشتباهات اصلی در ۲۰ سال گذشته، فقط در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن «جمعیت» است. ما سال‌ها دنبال «مدیریت جمعیت» یوز بودیم، درحالی‌که «جمعیت کوچک» داریم و اضافه‌کردن کلمه «کوچک» رویکرد حفاظتی را تغییر می‌دهد. وقتی با ۱۰ تا ۱۵ فرد سرکار داریم، قوانین کلاسیک جمعیت‌شناسی چندان کاربرد ندارند. جفت‌گیری تصادفی در جمعیت کوچک، محدود و اغلب بین خویشاوندان است. در این وضعیت، مرگ یک یوز فقط یک درصد کوچک نیست؛ هر یوز سهم بزرگی از کل جمعیت دارد. عوامل تهدید به‌صورت تصادفی تعیین‌کننده می‌شوند؛ مثلاً برخورد یک یوز با خودرو می‌تواند آخرین افراد زایا را حذف کند، درحالی‌که با ۲۰ ثانیه اختلاف شاید زنده می‌ماند.

این عوامل از کنترل خارج‌اند. وقتی محور ما حفظ جمعیت باشد، عمدتاً دنبال اقدامات حفظ زیستگاه هستیم، همان‌طورکه در ۲۰ سال گذشته همین کار را کردیم. درحالی‌که وقتی محور ما حفظ جمعیت کوچک باشد، حفظ و دنبال کردن افراد جمعیت بیش از حفظ زیستگاه آنها اهمیت پیدا می‌کند. شما ممکن است که زیستگاه را حفظ کنید،

و واقعی نخواهد داشت. نهایتاً خروجی‌اش هم محدود به چند کمپین کوچک یا سپت‌های شبکه‌های اجتماعی می‌شود، نه تغییرات بلندمدت. اگر می‌خواهیم محیط‌زیستی سالم برای نسل‌های آینده بسازیم، زمان آن رسیده که از کوچه پس‌کوچه‌های فعالیت‌های غیرحرفه‌ای خارج شویم و وارد لیگ حرفه‌ای شویم. عشق به طبیعت پیش‌نیاز است، اما کافی نیست؛ حرفه‌ای‌گری است که عشق را به تغییر تبدیل می‌کند.





اما یوز همچنان کاهش یافته است. مشکل این است که همان روش‌های حفاظت برای گونه‌هایی مثل گورخر و پلنگ را برای یوز تکرار می‌کنیم، درحالی‌که نیازهای متفاوتی دارد. باید بازنگری و مرور کنیم که چه اقداماتی بی‌نتیجه بوده و کدام می‌تواند تغییر ایجاد کند؛ بدون چنین ارزیابی واقع‌گرایانه امکان اصلاح مسیر حفاظت وجود ندارد.

🔗 اما سازمان محیط‌زیست برای هیچ گونه‌ای به‌اندازه یوز جلسه نگذاشته!

یکی از مشکلات جلسات سازمان محیط‌زیست، حداقل در گذشته که من هم گاهی در جلسات شرکت می‌کردم، آن بود که حتی صورت‌جلسه وجود نداشت. درنتیجه چون چیزی ثبت نمی‌شد، همان بحث‌ها چند ماه بعد تکرار می‌شد. جالب است بدانید حدود ۱۰ سال پیش نزدیک یک تا دو سال بحث می‌کردیم که وضعیت یوز بحرانی است یا نه؛ حتی برخی مدیران و کارشناسان این مقوله را باور نداشتند. یکی از عللی که خیلی از این جلسات، نه‌فقط درباره یوز، بلکه کلّ درباره طبیعت به نتیجه دلخواه نمی‌رسد، غیر از کمبود بودجه و حمایت سیاسی و اجتماعی و ده‌ها مشکل دیگر، آن است که تصمیمات عمدتاً براساس تجربه است، نه علم و سند و مدرک. اتکای صرف به تجربه سه مشکل جدی دارد.

اولاً، این تصور وجود دارد که فکر می‌کنند فاصله گرفتن از تجربه و اتکا به علم و سند و مدرک خیانت به ارزش‌های حفظ طبیعت است. بزرگی می‌گفت «فعلاً طبیعت را حفظ کنیم، زمانی که حفظ شد، وقت برای مطالعه هست». این یکی از خسارت‌بارترین چملاتی است که می‌توان برای حفظ طبیعت زد و چند پیامد دارد؛ اول اینکه این حرف به آن معناست که من کارشناس جواب همه مشکلات را می‌دانم و نیازی به مطالعه ندارم و دوم آنکه مطالعات به هیچ دردی

درست است. اگر علم و سند مبنا باشد، نتیجه روشن است. اکتفا به سند و مدرک، کم‌هزینه‌تر و نتیجه‌بخش‌تر از تجربه است. می‌توان دو منطقه مشابه را در نظر گرفت، یکی را با آب و علفه مدیریت کرد و دیگری را نه، در ادامه نرخ زادآوری و رشد جمعیت را مقایسه کنیم. این کار ساده و در دنیا عادی است، اما در ایران همین مسئله محل چالش می‌شود. وقتی تجربه مبنا باشد، سازمان به‌جای هم‌سوسازی دیدگاه‌ها، اختلاف بیشتر ایجاد می‌کند؛ چون اگر تجربه شما را قبول کند، باعث دلخوری کارشناس دیگری می‌شود و این چرخه دلخورسازی، به‌جای اجماع‌سازی همواره ادامه خواهد داشت. به‌نظر من، سازمان هیچ‌وقت علم را ابزار نجات ندیده و به تجربه کارشناسان اکتفا کرده؛ درحالی‌که هم تجربه نیاز است و هم سند و مدرک.

🔗 نتیجه چنین وضعیتی چیست؟

آنچه ما در ایران در مورد حیات‌وحش می‌گوییم، اغلب ناشی از برداشت‌های شخصی خودمان است. شاید برای علفخواه‌ها این روش‌ها گاهی جواب دهد، چون احیای آنها ساده‌تر است. مرال و آهو هر سال زادآوری دارند، اما یوز هر دو تا سه سال یک‌بار زایمان می‌کند. بااین‌حال، حتی در همین موارد هم عملکردمان ضعیف است؛ در جابه‌جایی علفخواران تلفات بالاست، مثل مرگ پنج تا شش گورخر از ۱۰ مورد در سمنان یا تلف‌شدن آهوهای منتقل‌شده از خراسان‌جنوبی. در گوشتخواران اوضاع فاجعه است. ما فکر می‌کنیم تجربه علفخواه‌ها برای گوشتخوارها هم کارساز است، درحالی‌که هیچ نمونه موفق احیای گوشتخوار نداریم. حتی پروژه تکثیر یوز در توران با بودجه و مراقبت بالا، ناپابوری ماده، خروج نر از چرخه و مرگ سه توله را داشت. چنین شکست بزرگی در دنیا کم‌نظیر است. در پلنگ، خرس یا سایر گوشتخواران هم تقریباً راه‌سازی موفقی نداشتیم. چیزی که به اسم راه‌سازی انجام می‌شود، فقط «ول کردن» است. راه‌سازی واقعی، یعنی بازوحشی‌سازی و پایش بعد از آزادسازی، به‌ندرت انجام گرفته است.

به‌علاوه، یک پیامد اتکای صرف بر تجربه آن است که تجربه نمی‌تواند خودش را سریع بروزرسانی کند، درحالی‌که مشکلات یوز پویا و در حال تغییر است و ما درباره مشکلات قبلی تجربه کسب کنیم، نوع مشکل و راه‌حل آن هم عوض می‌شود. مثلاً ۱۵ سال پیش، تهدید اصلی یوزها در مرکز ایران، کاهش ماده‌ها بود، اما دیر وارد عمل شدیم و تا بخواهیم از تودروی ده‌ها جلسه به تصمیم برای اقدام برسیم، همه آن نرها از بین رفتند. حالا در توران تهدید اصلی کاهش بقای توله‌هاست که پنجره پنج‌ساله دارد. اگر سریع اقدام نکنیم، بحران بعدی شروع می‌شود. خطاهای دامپزشکی هم طی سال‌های اخیر شش یوز را کشت یا از جمعیت راپا حذف کرد که واکنش سازمان تغییر تیم دامپزشکی بود که درست است، اما باید سه سال زودتر انجام می‌شد. وقتی دیر عمل کنید، تهدید اثرش را می‌گذارد و بعد هزینه چندبرابر می‌شود. ما هیچ‌وقت با تجربه صرف به پای مشکلات یوز نخواهیم رسید، به‌ویژه زمانی که مجبوریم تصمیمات جدی و تهاجمی بگیریم.

🔗 شما در سال‌های اخیر همواره از مدافعان ایجاد جمعیت پشتیبان برای یوز آسیایی بوده‌اید. آیا هنوز هم بر این نظر هستید؟

مگر کسی هست که با این وضعیت یوزپلنگ، معتقد باشد نیازی به جمعیت پشتیبان نداریم؟ مشکل این است که پروژه‌ها با نیت خوب آغاز می‌شوند، اما بعداً تبدیل به اثر معکوس می‌شوند. مثلاً، حدود دو سال پیش توله‌یوزی در تصادف جاده‌ای تلف شد. پس‌ازآن، مادرش به‌نام «هلیا» با یک توله دیگر کنار جاده دیده شدند و مدتی گروهی از فعالان محیط‌زیست شبانه به محل می‌رفتند و با نور انداختن تلاش می‌کردند این یوزها را از جاده دور کنند. نیت این کار بسیار خوب بود، چون فرصتی برای جلوگیری از تلفات بیشتر ایجاد می‌کرد. همان تیم گزارشی جامع تهیه کرد و بحث فنس‌کشی حدود ۸۰ کیلومتر از جاده مطرح شد تا از تکرار چنین حوادثی جلوگیری شود. اما در عمل چه شد؟ چند بار اعلام شد بودجه‌ای مثل ۲۰ میلیارد تومان

تخصیص یافته یا فلان کارخانه کمک می‌کند و در اخبار چندین‌بار گفتند فنس‌کشی شروع می‌شود. در این مدت حفاظت از یوز در آن منطقه به نور انداختن کنار جاده خلاصه شد؛ یعنی حفاظت از کمپاب‌ترین گربه‌سان دنیا با چراغ‌قوه؛ درحالی‌که اصل ماجرا یعنی فنس‌کشی باید همان موقع انجام می‌شد. از زمانی‌که نخستین یوزها زیر ماشین رفتند، تا امروز ما سالانه حدود ۲۲۰ متر جاده را فنس‌کشی کردیم، یعنی صفر! خوب الان اگر کسی از همان دوستانی که می‌رفتند کنار جاده برای هلیا نور می‌انداختند، بپرسد شما طرفدار نور و چراغ‌قوه برای حفظ یوز هستید؟ قطعاً پاسخ می‌دهند قرار بود این یک کار مقطعی باشد تا اینکه سریع فنس‌ها برقرار شوند، نه اینکه مانند چندسال اخیر که تبدیل به جایگزین فنس شوند. البته ظاهراً اخیراً فنس‌کشی شروع شده که خبر خوبی است.

🔗 معتقدید همین رویه درباره پروژه تکثیر هم اتفاق افتاده است؟

اتفاقی که درباره فنس‌کشی افتاد، برای تکثیر هم تکرار شد. یعنی پروژه‌ای با یک نیت خوب شروع شد، ولی بعد مسیرش منحرف شد. ایده این بود که ما نرهاى جمعیت جنوب را که احتمالاً با ماده برخورد ندارند و در حال از بین رفتن هستند، به جمعیت پشتیبان تبدیل کنیم. ضمن اینکه ماده‌های در اسارت هم نیاز به نر داشتند. بعد از آن شکست مفتضحانه (مرگ توله‌ها و...)، هر یوزی را که در طبیعت دیده می‌شود، به اسم تکثیر آنجا می‌برند. برای مثال یک یوز را که نزدیک به یک سال در طبیعت زندگی کرده بود، از نزدیکی می‌اندشت گرفتند و به سایت منتقل کردند؛ با این فرض که نر است. درحالی‌که حفاظت نشان داده، یوزی که شش ماه با مادر در طبیعت باشد، می‌تواند به طبیعت برگردد. درنتیجه، یوزی که باید برای تمرین بازوحشی‌سازی به می‌اندشت منتقل می‌شد، به سایت تکثیر توران رفت. ما الان تجربه بازوحشی‌سازی نداریم، ولی این یوز ماده بهترین گزینه بود؛ چون «یوز آموخته مادر» بود. بقیه یوزهای اسارت آموخته مادر نیستند و در دو یا یک ماهگی از مادر جدا شده‌اند. همین راه‌سازی می‌توانست کمکی به همان پروژه فراجمعیت باشد. پرسش این است که برنامه این سایت چیست؟ اگر جمعیت یوز زیاد شود، آیا قرار است فنس‌های بیشتری ساخته شود؟ تا چه زمانی می‌خواهیم فنس بیشتر کنیم؟ یوزها برخلاف پلنگ نرخ تولیدمثلشان بسیار بالاست، یعنی طی سه‌ چهار سال اگر بقا داشته باشند، جمعیت بزرگی را شکل می‌دهند. این یوزها اگر به دنیا بیایند، چه برنامه‌ای برایشان داریم؟ با توجه به اینکه فیروز پیر شده، نر برای جفت‌گیری چطور تأمین می‌شود؟ من آگه جای سازمان بودم، تلاش می‌کردم آن یوز ماده را به طبیعت برگردانم. دو ماده سایت اگر خوب مدیریت شوند، می‌توانند سایت را پر از یوز کنند و نیازی به ماده جدید ندارند.

🔗 آیا این موضوع در کمیته یوز مطرح نشده بود؟

من عضو کمیته یوز نیستم، ولی تابه‌حال نه سندی دیده‌ام، نه مصاحبه‌ای و نه گزارشی که واقعاً این طرح فنس‌سازی عظیم و بزرگ برای یوز چیست؟ قرار است در آینده چه اتفاقی داخل آنها بیفتد؟ خوب طرح به این عظمت نباید به گزارش توجیهی درخور خودش منتشر کند؟ آیا ارزیابی ریسک شده است؟

طرح‌ها در ایران اغلب بستگی دارد به اینکه آخرین کسی که با تصمیم‌گیرندگان صحبت کرده، کیست. قبل از انقلاب، کارشناس وقت پرندگان سازمان به انگلیس رفت و دید سالانه میلیون‌ها قرقاول تکثیر و رها می‌شوند، آمد به آقای فیروز گفت و همان را در البرز اجرا کردند تا شکارچیان استفاده کنند. الان هم مشاوری از آفریقای جنوبی پیشنهاد مدلی را داده است که در آن همه‌چیز مصور می‌شود. آفریقای جنوبی محدوددهای محصور دارد، یوزها را آنجا می‌برند؛ ۵۰ تا ۶۰ محدود با تیم‌های فنی قوی و تلفات کم دارند. حالا همان مدل را می‌خواهند در ایران پیاده کنند. پرسش من این است که چرا هند که از همان مشاوران استفاده کرده، این مدل را پیاده نکرد؟ بودجه پروژه یوز هند ۱۲۰ میلیون دلار است، درحالی‌که کل بودجه ما به ۱۰ میلیون دلار

نمی‌رسد. چرا هند با وجود زیستگاه‌های پر از انسان، فنس نساخته؟ درحالی‌که هند یکی از موفق‌ترین کشورهای دنیا در حوزه حفاظت از حیات‌وحش است، شیر را از چند عدد به بیش از ۵۰۰ رسانده و هزاران ببر دارد.

البته این را بگویم که من نه موافق فنس هستم، نه مخالف آن. اساساً مخالفت یا موافقت یک فرایند ایدئولوژیک نیست که فقط یک‌سویه نگاه کنیم، ولی وقتی طرحی برای آن منتشر نشده، هیچ مصاحبه‌ای درباره آن نیست و کسی درباره آن توضیح نمی‌دهد، هر کسی ممکن است فکر کند دقیقاً چه خبر است؟ آیا واقعاً این به‌نفع یوز است؟ آن‌هم برای گران‌ترین پروژه حفاظت از حیات‌وحش تاریخ ایران!

🔗 پایش و انجام فعالیت‌های حفاظتی در زیستگاه‌های تاریخی یوز مثل نایبندان، خوش‌بیللق، بافق و... با توجه به بودجه محدود سازمان، آیا ضرورت دارد یا اینکه باید تمرکز را روی توران و می‌اندشت نگه داشت؟

چون حفظ یوز عمدتاً براساس تجربه است، تا بخواهیم بفهمیم مشکل الان یوز چیست، سال‌ها طول کشیده و درنتیجه ممکن است آن مشکل دیگر نباشد و مشکل جدیدی جایگزین شده باشد. ولی نگرانی بزرگتر آن است که فرایند پاسخ‌دهی ما به همان مشکلاتی که دست‌وپاشکسته می‌فهمیم، بسیار کند است؛ یعنی با تأخیر می‌فهمیم، با تأخیر تصمیم می‌گیریم و درنهایت با تأخیر هم اجرا می‌شود. به‌خاطر همین است که کارهای زیادی برای حفظ یوز شده، ولی عموماً زمانی انجام شده که آن مشکل تبدیل به مشکل دیگری شده است. بودجه‌ای که این روزها در رسانه‌ها از حفظ یوز منتشر می‌شود، به‌مراتب بیشتر از گذشته است. بنابراین، به‌نظر نمی‌رسد اساساً مشکل بودجه باشد و با این شرایط، اگر هر کاری برای همه زیستگاه‌های فعلی و تاریخی یوز می‌توانند بکنند، خوب است و قابل‌تقدیر.

در مجموع فکر می‌کنم در ۲۰ سال گذشته کارهایی که باید برای یوزها می‌کردیم، کمتر از آن چیزی است که یوز نیاز داشته است. مثل بیماری که هفته‌ای ۵۰ هزار واحد ویتامین D می‌خواهد، ولی ۵۰۰ تا می‌گیرد؛ وارد درمان شده‌ایم، اما کافی نیست. من دو امید برای یوزهای ایران دارم که بتوانند از این حفاظت ناقص و تأخیری ما جان سالم به در ببرند. اول آنکه شانس بیاوریم و تنوع ژنتیکی پایین یوزها برایشان مسئله‌ساز نشود و خوش‌شانس باشیم که تا حد امکان جفت‌گیری میان افرادی با کمترین خویشاوندی صورت بگیرد. دومی و مهمتر آنکه یوز ایران مسیر پلنگ‌ی‌امور را برود، پلنگ آمور تا حدود ۱۵ سال پیش، به‌مدت چندین دهه، حدود ۳۰-۴۰ تا بیشتر نمانده بود، ولی با سرمایه‌گذاری روس‌ها و چینی‌ها و البته خوش‌شانسی، بالاخره توانست خودش را از تله انقراض چندین دهه‌ای نجات دهد و امروز به ۱۵۰ رسیده است.

بزرگ‌ترین چالش در این شرایط تنوع ژنتیکی یوز است؛ اغلب افراد باقیمانده خویشاوندند. در حالت ایدئال، IUCN توصیه کرده برای بهبود تنوع ژنتیکی، نمونه‌هایی از یوزهای آفریقایی وارد کشور شود. این توصیه براساس پژوهش خانم خلعتیری و راهکار «ژنتیک آمیخته Genetic admixture» است که تأکید دارد برای حفظ یوز آسیایی، حتی به‌صورت هیبرید، نیاز به ترکیب ژنتیکی با یوز آفریقایی است. بااین‌حال، این راهکار تاکنون اجرا نشده و البته من حق می‌دهم به مدیران اگر چنین تصمیم نخوانده یا نتوانند بگیرند؛ چون تبعات زیادی دارد.

اینکه همه افراد زایای ما در یک محدوده توران و می‌اندشت هستند، خوب است؛ اما مانند پلنگ آمور تنوع ژنتیکی کمی دارند. بنابراین، سازمان محیط‌زیست باید همچنان به حفظ همه زیستگاههای تاریخی یوز ادامه دهد، تا شاید یوز ایران هم مسیر پلنگ آمور را رفت و معجزه‌آسا، به محدوده تاریخی خودش که خوشبختانه اکثراً تحت‌حفاظت هستند، بازگردد. درنهایت امیدواریم یوزها مسیرهای زیستی خود را پیدا کنند و به‌سمت مناطق مثل اصفهان و نایبندان حرکت کنند. مشاهده اخیر در نایبندان نیز امیدوارکننده بوده است.



یکی از اشتباهات اصلی

در ۲۰ سال گذشته فقط در

یک کلمه خلاصه می‌شود و آن

«جمعیت» است. ما سال‌ها

دنبال «مدیریت جمعیت» یوز

بودیم، درحالی‌که «جمعیت

کوچک» داریم و اضافه کردن

کلمه «کوچک» رویکرد

حفاظتی را تغییر می‌دهد



سازمان محیط‌زیست باید

همچنان به حفظ همه

زیستگاه‌های تاریخی یوز

ادامه دهد، تا شاید یوز ایران

هم مسیر پلنگ آمور را رفت و

معجزه‌آسا به محدوده تاریخی

خودش که خوشبختانه اکثراً

تحت‌حفاظت هستند، بازگردد

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری منطقه ۵ تبریز

شهرداری منطقه ۵ تبریز در نظر دارد باستناد مجوزهای اخذ شده، پروژه عمرانی مشروحه زیر را در سال ۱۴۰۴ از طریق مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید:

ردیف	نام پروژه	مبلغ برآورد (به ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (به ریال)	پایه مورد تایید
۱	اصلاح مبلغ اولیه: پروژه بهسازی و مقاوم سازی پل شماره ۲ دانشگاه آزاد اسلامی (واقع در اتوبان پاسداران)	۶۵/۵۳۳/۰۰۰/۰۰۰	۳/۲۷۶/۱۵۰/۰۰۰	پایه ۵ در رشته ابنیه یاره و ترابری
۲	پروژه اجرای تثبیت و اصلاح نشست و مرمت فرهنگسرای شهید نومی گلزار	۱۱۸/۴۷۹/۶۲۰/۶۴۰	۵/۹۲۳/۹۸۱/۰۳۲	پایه ۵ در رشته ابنیه
۳	پروژه اجرای تثبیت و اصلاح نشست و مرمت فرهنگسرای نیاوران مرزداران	۱۰۵/۹۸۶/۵۲۷/۱۸۰	۵/۲۹۹/۳۲۶/۳۹۹	پایه ۵ در رشته ابنیه
۴	خرید آسفالت سطح منطقه	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	کارخانجات دارای گواهینامه فنی

۳) شهرداری درد و قبول پیشنهادات مختار است.

۴) به پیشنهادات مبهم، مشروط و تحویل اسناد بعد از انقضای مهلت مقرر در این آگهی و فاقد سپرده از درجه اعتبار ساقط و ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵) هزینه چاپ آگهی بعهدہ برنده مناقصه خواهد بود.

۶) هرگاه برنده مناقصه و نفر دوم و غیره به ترتیب از تاریخ ابلاغ نتیجه ظرف مدت ۷ روز حاضر به تحویل ضمانتنامه حسن انجام تعهدات و انتقاد قرارداد نشوند، سپرده شرکت در مناقصه آنها به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۷) سایر اطلاعات و جزئیات لازم در اسناد مناقصه، سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) مندرج است.

| فارس |

آمادگی برای پیلوت شدن در تمام حوزه‌های توسعه فناوری اطلاعات کشور

سعیده ناصری - استاندار فارس در آیین افتتاح ۴۵۵ پروژه ارتباطی و فناوری اطلاعات استان؛ اعلام آمادگی استان فارس برای پیلوت شدن در تمام حوزه‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور دست پرتر در دنیا با کسی است که از مظاهر تکنولوژی، فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی برخوردار باشد.

فارس آمادگی پیلوت (آزمونه) شدن در تمام حوزه‌ها و پروژه‌های فناوری اطلاعات در کشور را دارد. پایگانی‌های کاغذی ادارات و مسافرت‌های شهری برای امور اداری در دنیای امروز پذیرفته شده نیست. جامعه با دنیای دیجیتال خو گرفته است و فناوری ارتباطات و اطلاعات بر تمام شئون زندگی مردم سایه افکنده است. امروز توسعه بدون توجه به زیرساخت‌های ارتباطی به‌ویژه اینترنت و مخابرات امکان‌پذیر نیست. کار ماندگار در بستر زمان و با کارشناسی و رویکرد علمی انجام می‌شود.

فارس از ۵۰ سال پیش قطب الکترونیک کشور بوده است و بر اساس سند آمایش باید این جایگاه خود را تثبیت کند.

صنعتی‌شدن فارس بر اساس توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است نه صنایع خشن.

قائم‌مقام کمیته امداد کشور در همایش "نور و کرامت"

سالمندان گنجینه‌های ارزشمند و معنوی جامعه هستند

مرکزی، آزاده فراهانی - قائم‌مقام کمیته امداد کشور در همایش "نور و کرامت" و اعزام سالمندان تحت حمایت کمیته امداد استان مرکزی به شهر مقدس قم و جمرکان گفت: سالمندان گنجینه‌ها و سرمایه‌های ارزشمند و معنوی جامعه به شمار می‌روند و برکات خداوند بر روی زمین هستند که خدمت به این عزیزان ضرورتی در راستای حفظ کرامت انسانی است. جعفر صباغیان با اشاره به نقش اثرگذار خیرین و نیکوکاران در کشور اظهار داشت: مشارکت گسترده و حمایت‌های همه‌جانبه خیرین و نیکوکاران موجب شده کمیته امداد در همه استان‌ها، شهرها و روستاهای کشور خدمات ارزنده‌ای را به خانواده‌های تحت حمایت و ولی‌نعمتان خود ارائه کند. او خاطرنشان کرد: بدون شک، ارائه خدمات مطلوب به مددجویان تحت حمایت به‌خصوص سالمندان و ارتقای کیفیت زندگی آنان بدون حمایت و همدلی نیکوکاران و خیرین امکان‌پذیر نیست. صباغیان تصریح کرد:

یزد، صادق‌مقدم - معاون آموزشی دانشگاه ملی

مهارت یزد گفت: بر اساس اعلام رسمی سازمان سنجش آموزش کشور، دانشگاه ملی مهارت استان یزد در سال تحصیلی جدید شاهد یک رشد بی‌سابقه و چشمگیر در جذب دانشجو بوده است بطوری‌که ظرفیت پذیرش دانشجویان در این دانشگاه نسبت به سال گذشته با افزایش ۴۵ درصدی همراه شده است. محمد امید پناه در این باره افزود: این جهش ۴۵ درصدی، یک موفقیت بزرگ در راستای اجرای برنامه‌های توسعه آموزشی استان و گامی مهم برای برآورده‌ساختن تقاضای فزاینده آموزشی در سطح استان قلمداد می‌شود.

او خاطرنشان کرد: آمار پذیرش در بعضی از آموزشکده‌های استان نسبت به سال قبل رشدی معادل ۶۰ درصد را تجربه کرده‌اند. این مسئول، نقش تغییرات ساختاری اخیر در دانشگاه را افزایش جذب دانشجویان این دانشگاه ذکر کرد و گفت: ادغام دو مرکز پسران در شهرستان

فارس

توجه به سلامت بانوان، بنیان خانواده و جامعه را تقویت می‌کند



توانمندی بانوان در سطوح مدیریتی تأکید کرد و گفت: در حال حاضر ۱۰ مدیر ارشد در دانشگاه علوم پزشکی شیراز، از جمله روسای شبکه‌های بهداشت و مدیران بیمارستان‌ها، از بانوان هستند که این امر بیانگر شایستگی و توان مدیریتی بالای زنان در عرصه سلامت است. دکتر هاشمی با تأکید بر ضرورت ارتقای سطح آگاهی و حمایت‌های روانی و اجتماعی از زنان، ابراز امیدواری کرد تا نتایج این کنفرانس بتواند به سیاست‌گذاری‌های مؤثر در حوزه سلامت بانوان و ارتقای کیفیت زندگی زنان در جامعه منجر شود. در ادامه این آیین، دکتر «کامران باقری لنگرانی» رئیس چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی سلامت زنان و رئیس مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری سلامت، با اشاره به پیشرفت



معاون آموزشی دانشگاه ملی مهارت یزد: بر اساس اعلام رسمی سازمان سنجش آموزش کشور، دانشگاه ملی مهارت استان یزد در سال تحصیلی جدید شاهد یک رشد بی‌سابقه و چشمگیر در جذب دانشجو بوده است بطوری که ظرفیت پذیرش دانشجویان در این دانشگاه نسبت به سال گذشته با افزایش ۴۵ درصدی همراه شده است

| فارس |

از نهضت تولید محتوای ملی در بسترهای دیجیتال حمایت می‌کنیم

سعیده ناصری - وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با اشاره به برنامه دولت چهاردهم برای توسعه فیبرنوری در کشور، این طرح را یکی از محورهای اصلی تحول در حوزه ارتباطات دانست و بر لزوم همکاری دستگاه‌های محلی در اجرای آن تأکید کرد. سید ستار هاشمی در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان فارس که هم‌زمان با آیین افتتاح پروژه‌های ارتباطی این استان در محل مؤسسه استنادی و پایش علم‌وفناوری جهان اسلام (ISC) برگزار شد، اظهار کرد: گذر از زیرساخت‌های مسی به فیبر نوری از برنامه‌های بنیادین دولت چهاردهم است و اجرای سریع آن به همکاری شهرداری‌ها و مدیران استانی نیاز دارد. او با اشاره به ظرفیت‌های فارس در این زمینه اظهار کرد: خوشبختانه زیرساخت‌های لازم برای توسعه فیبر و فناوری نسل جدید ارتباطات (۵G) در فارس فراهم شده است و انتظار داریم این پروژه‌ها با شتاب بیشتری به بهره‌برداری برسند. وزیر ارتباطات همچنین به جایگاه فرهنگ و علمی استان فارس اشاره کرد و گفت: فارس مهد تمدن ایران‌زمین است و دانشگاه شیراز به تعبیر رهبر معظم انقلاب، دارالعلمی در دارالعلم محسوب می‌شود. این ویژگی‌ها مسئولیت ما را در قبال توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات در این استان سنگین‌تر می‌کند.

کرمان

کارتیمی، کلید موفقیت منطقه ویژه اقتصادی سیرجان

بهرام‌جردی - مراسم تودیع و معارفه مدیر منطقه ویژه اقتصادی سیرجان با حضور دکتر امیری، مدیرعامل سازمان

عمران کرمان و رئیس هیئت‌مدیره منطقه ویژه، برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی منطقه ویژه، در این آیین که جمعی از مدیران واحدهای صنعتی، کارکنان منطقه و مسئولان محلی نیز حضور داشتند، ضمن قدردانی از تلاش‌های مهندس قاسم میرزاده، مدیر پیشین منطقه که به‌تازگی بازنشسته شده‌اند، دکتر حسن اسدی به‌عنوان مدیر جدید منطقه ویژه اقتصادی سیرجان معرفی شد.

در ابتدای مراسم، مهندس میرزاده گزارشی از عملکرد سال‌های اخیر ارائه کرد و با اشاره به نقش منطقه در جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال پایدار و توسعه زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی، تعامل سازنده با فعالان اقتصادی و مدیران سازمان قدردانی کرد.

سپس دکتر حسن اسدی، مدیر جدید منطقه، ضمن تشکر از اعتماد سازمان عمران کرمان، برنامه‌های خود را برای آینده منطقه تشریح کرد. او با تأکید بر شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، تعامل سازنده با فعالان اقتصادی و تسریع در خدمات‌رسانی به سرمایه‌گذاران، خواستار همکاری همه‌جانبه همکاران برای تحقق اهداف توسعه‌ای منطقه شد.

در ادامه، حمید شهسواری عضو هیئت‌مدیره و مهندس وفائی مدیرعامل منطقه نیز به بیان دیدگاه‌های خود درباره مسیر توسعه منطقه پرداختند. در بخش اصلی مراسم، دکتر امیری با اشاره به جایگاه راهبردی منطقه ویژه اقتصادی سیرجان در مسیر توسعه

